

پیامبر (ص) و حقوق بشر دوستانه

علی تقی‌زاده اکبری

عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

حقوق بشر دوستانه بین‌المللی (Humanitarian International Law) مجموعه قوانین و مقرراتی است درباره حقوق انسانها، اعم از نظامیان و غیرنظامیان، در زمان جنگ. این مجموعه که در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی کاربرد دارد، در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ تصویب شد. به رغم تدوین این قوانین و مقررات در دوران معاصر، خاستگاه آن را باید ادیان الهی به ویژه اسلام دانست. بیش از چهارده قرن پیش، آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد بن عبد الله (ص) در سیره گفتاری و رفتاری خود برخی رفتارها را در جنگ ممنوع اعلام فرمود. این رفتارها عبارت‌اند از: کشتن غیرنظامیان، مثله کردن، کشتن فرستاده دشمن، کاربرد سلاحهای کشتار جمعی، خیانت‌ورزی و پیمان شکنی، قتل و شکنجه اسیران جنگی. فقیهان با استناد به سیره آن حضرت و ادله دیگر، این رفتارها را حرام دانسته‌اند.

کلید واژه‌ها: پیامبر اکرم (ص)، جهاد، جنگ، حقوق بشر دوستانه

مقدمه

جنگ پدیده‌ای است که از گذشته بسیار دور تا امروز کم و بیش وجود داشته است. بیشتر جنگها ماهیتی تجاوزگرایانه داشته و کمتر، عادلانه بوده‌اند. دسته نخست برای گسترش سلطه، فتح سرزمین، کسب منافع مادی و کشتار انسانهای بی‌گناه به راه افتاده‌اند، و دسته

اخیر برای مقابله با سلطه‌گری و دفاع از آیین و شرف و جان و مال و ناموس و سرزمین قامت برافراشته‌اند. بانیان جنگهای تجاوزگرایانه غالباً جز درنده‌خویی و وحشی‌گری، آداب و ترتیب دیگری نمی‌جویند، و برای چنگ زدن به خواسته‌های نامشروع خود، به هر شیوه و رفتار غیر انسانی تن می‌دهند.

برای فرو نشاندن آتش جنگهای ضد انسانی، تلاشهای بسیاری در طول تاریخ صورت پذیرفته که جهت‌گیری آنها دو چیز بوده است؛ نخست اینکه جنگ تحت ضابطه و قانون درآمده، به سوی جنگ عادلانه و مشروع سوق یابد. دیگر اینکه ساحت جنگ از شیوه‌های غیر انسانی و به کارگیری سلاحهای انهدام جمعی و حمله به مناطق مسکونی و کشتار غیر نظامیان و قتل و شکنجه اسیران جنگی پاک گردد. نتیجه این تلاشها، وضع قوانین و مقررات بین‌المللی درباره جنگ است که از آن به «حقوق مشخصات مسلحانه بین‌المللی» یا «حقوق جنگ» تعبیر می‌شود. بخشی از این حقوق درباره حقوق انسانها در جنگ است که به «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی» یا «حقوق در جنگ» شهره است. اما باید این حقیقت تلخ را یادآور شد که به رغم این قوانین و مقررات و بعضاً با تفسیر نادرست و خودخواهانه همین قوانین و مقررات، هنوز هم جنگهای تجاوزگرایانه بسیاری رخ می‌دهد که انسانهای بی‌گناه فراوانی را در کام نیستی فرو می‌برد و جهان همچنان شاهد پایمال شدن بی‌حد و حساب حقوق انسانی در جنگهاست.

سراغاز تدوین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی - به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی ناظر بر استفاده از نیروی مسلح و رفتار با افراد در جریان نبرد مسلحانه با هدف کاهش مصائب افراد در جنگ - به نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد.

از این پس تلاش در این باره ادامه یافت تا اینکه در حدود یک قرن بعد در سال ۱۹۴۹ چهار کنوانسیون درباره مجروحان و بیماران میدان جنگ، مجروحان، بیماران و آسیب‌دیدگان در دریا، اسرای جنگی، و حمایت از غیر نظامیان تصویب شد. در سال ۱۹۷۷ دو پروتکل، یکی درباره نبرد مسلحانه بین‌المللی و دیگری درباره نبرد مسلحانه غیر بین‌المللی (داخلی) کنوانسیونهای چهارگانه را تکمیل کرد.^۱ پیش‌تر، پروتکل سال ۱۹۲۵ ژنو کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر گازها، مایعات، مواد یا وسایل مشابه و روشهای باکتریولوژیک (بیولوژیک) را در جنگ ممنوع کرده بود. بر اساس کنوانسیون

سال ۱۹۷۲، سلاحهای سمی و باکتریولوژیک تنها ابزار جنگی هستند که تولید، تملک و کاربرد آنها در حقوق بین‌الملل غیرقانونی است. آخرین مورد الحاقی به فهرست سلاحهای ممنوع، مبتنی بر کنوانسیون سال ۱۹۸۰ (آماده برای امضا در سال ۱۹۸۱)، در خصوص ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های کاربرد برخی سلاحهای متعارف، از جمله استفاده بدون تبعیض از مینهای زمینی، تله‌های انفجاری، و بمبهای زمانی، و نیز استفاده از سلاحهای آتش‌زا علیه جمعیت غیرنظامی است.^۲

به رغم شکل‌گیری حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در صد و پنجاه سال اخیر، ریشه آن را باید در ادیان الهی به ویژه اسلام جست و جو کرد.

قرنها پیش، اسلام با تشریح قوانین و مقرراتی، جنگ تجاوزگرایانه را با هدف سلطه‌طلبی و کسب قدرت، کشورگشایی و فتح سرزمین، کسب منافع مادی و به دست آوردن غنیمت و تحمیل عقیده ممنوع کرده است. اسلام با وجود آنکه جهاد را به عنوان جنگی مقدس، عادلانه، با ماهیتی دفاعی، و با هدف برچیدن حاکمیت شرک، از میان برداشتن موانع دعوت، نابودی ستم و نجات مستضعفان و دفاع از کیان و جان و مال و ناموس مسلمانان مشروع می‌شمارد، بر رعایت حقوق انسانی در آن تأکید می‌ورزد. خدای متعال در آیه ۱۹۰ سوره بقره از مؤمنان می‌خواهد که با کسانی بجنگند که با آنها می‌جنگند و از تعدی و تجاوز یعنی نبرد با کسانی که سر جنگ ندارند یا از نیروهای نظامی دشمن نیستند، بپرهیزند. در آیه دیگر، مؤمنان را از اینکه دشمنی با گروهی، آنان را به ستم و ترک عدالت بکشاند، بر حذر می‌دارد.^۳ افزون بر آیات، در سیره رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) نیز بر رعایت حقوق بشر دوستانه تأکید شده است. پرسشی که این نوشتار در پی دادن پاسخ به آن است، این است که مصادیق حقوق بشر دوستانه در سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) چیست؟

قرآن کریم چند ویژگی برای رسول خدا(ص) بر می‌شمارد که نشان می‌دهد که آن حضرت تا چه اندازه به هدایت و سعادت بشر اهمیت می‌داده است. از نظر قرآن کریم، رسول خدا(ص) دارای خویی والا است،^۴ وجودش برای جهانیان رحمت است،^۵ بر او دشوار است که انسانها در رنج بیفتند، آژمند هدایت و سعادت بشر است، نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است،^۶ از اینکه مشرکان ایمان نمی‌آورند، نزدیک است که جان خود را تباه سازد،^۷

نرمخویی و پرمهری‌اش، به برکت رحمت الهی است و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بود، مردمان از گرد او پراکنده می‌شدند.^۸

طبیعتاً شخصیتی با ویژگی‌های یاد شده نه تنها به حقوق انسانی در جنگ بی‌اعتنا نبوده، بلکه بیشترین اهمیت را می‌داده است. در روایت آمده است که هر گاه رسول خدا(ص) قصد اعزام سربهای را داشت، فرمانده و نیروها را نزد خود می‌نشاند و به پرهیز از برخی رفتارها ملزم می‌کرد.^۹ بخش عمده این الزامات، حقوق بشر دوستانه است. از این رو، از این الزامات می‌توان با عنوان «منشور حقوق بشر دوستانه اسلامی» یاد کرد. اینک به بیان مصادیق حقوق بشر دوستانه در سیره نظری و عملی پیامبر اکرم(ص) می‌پردازیم:

۱. ممنوعیت کشتن غیر نظامیان

پیامبر اکرم(ص) به صراحت، کشتن زنان، کودکان، کهنسالان، رهبانان و صومعه نشینان را در جنگ ممنوع کرده است:

و لَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً^{۱۰}

کهنسالان، کودکان و زنان را نکشید.

و لَا تَقْتُلُوا وَلِيدًا وَلَا مُبْتَلًا فِي سَاهِبٍ^{۱۱}

کودکان، و کسانی که در بلندی (کوه) عزلت گزیده‌اند (ساکنان دیرها) را نکشید.

فَقَاتِلُوا عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ بِالشَّامِ وَ سَتَجِدُونَ فِيهَا رِجَالًا فِي الصَّوَامِعِ مُغْتَرِلِينَ النَّاسَ فَلَا تَعْرَضُوا لَهُمْ... لَا تَقْتُلَنَّ امْرَأَةً وَلَا صَغِيرًا ضَرْعًا وَلَا كَبِيرًا فَانِيًا^{۱۲}

با دشمن خدا و دشمن خودتان در شام بجنگید. در آنجا مردانی را می‌بینید که در صومعه‌ها [زندگی می‌کنند و] از مردم کناره گرفته‌اند. متعرض آنان نشوید... زنان، کودکان و کهنسالان را نکشید.

أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَ اسْتَحْيُوا شُرُوكَهُمْ وَ صَبِيَّاتَهُمْ^{۱۳}

مشرکان را بکشید و کهنسالان و کودکانشان را زنده نگه دارید.

رسول خدا(ص) هر گاه در میدان نبرد با کشته‌زنی برخورد می‌کرد، علت کشته شدنش را جویا می‌شد. در یکی از جنگها بر زن مقتولی گذشت و فرمود: «این زن را چه کسی کشته؟» مردی گفت: ای رسول خدا، من کشتم. حضرت علت را جویا شد و مرد گفت: این

زن با من گلاویز شد تا شمشیرم را بگیرد، حضرت سکوت فرمود. ۱۴ پیامبر (ص) همچنین در جنگ بنی قریظه بر سر کشته زنی ایستاد و فرمود: «چرا این زن با آنکه نمی جنگیده، کشته شده است؟» ۱۵.

فقیهان با استناد به روایات پیش گفته، کشتن زنان و کودکان را در جنگ حرام می دانند. به گفته بیشتر آنان، حتی اگر زنان و کودکان، نیروهای نظامی را یاری کنند نیز این حکم جاری است. ۱۶ فقیهان همچنین افزون بر جایز ندانستن کشتن کهنسالان با استفاده از این روایات، نابینایان و زمینگیران را به کهنسالان ملحق کرده، کشتن آنان را نیز جایز نشمرده اند. ۱۷ فقیهان از سیره عملی پیش گفته پیامبر اکرم (ص) در برخورد با کشته های زنان در میدان نبرد نیز استفاده کرده اند که حرمت کشتن زنان هنگامی که سلاح به دست گرفته و با مسلمانان بجنگند، برداشته می شود. ۱۸.

۲. ممنوعیت مثله کردن

پیامبر اکرم (ص) به هنگام اعزام سریه ها، به مجاهدان مسلمان می فرمود:

لَا تُقْتَلُوا^{۱۹}

دشمن را مثله نکنید.

همچنین حضرت علی (ع) نقل می کند که پیامبر (ص) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَالْمَثَلَةَ وَتَوْ بِالْكَلْبِ الْعَقُورِ^{۲۰}

از مثله کردن بپرهیزید، هر چند درباره سگ گزنده باشد.

به اتفاق همه فقیهان، مثله کردن افراد دشمن در حال جنگ حرام است. ۲۱ مستند فقیهان در این حکم، روایات یاد شده است. نویسنده جواهرالکلام از این روایات و بیشتر فتاوی فقیهان استفاده کرده که مثله کردن چه در حال جنگ یا غیر آن و چه پس از مرگ یا پیش از آن حرام است. وی همچنین معتقد است که در حرمت مثله کردن، فرقی نیست میان اینکه دشمن، مسلمانان را مثله کرده باشد یا نکرده باشد، زیرا هر چند آیه «و الحرمات قصاص» (بقره، آیه ۱۹۰)، قصاص را در مثله کردن جایز می شمارد، اما روایات و فتاوی مزبور به طور مطلق این کار را حرام و ممنوع دانسته اند. ۲۲ از این رو، مثله کردن افراد دشمن، چه زنده و چه کشته، در حال جنگ یا غیر آن، ابتدائاً یا برای مقابله به مثل حرام است.

۳. ممنوعیت کشتن فرستاده دشمن

ابن مسعود نقل می‌کند که دو نفر به عنوان فرستاده مسیلمه کذاب به حضور پیامبر اکرم (ص) آمدند. حضرت به آن دو فرمود: «شهادت دهید که من رسول خدایم» گفتند: شهادت می‌دهیم که مسیلمه، پیامبر است. رسول خدا فرمود: «اگر بنا بود پیکی را بکشم، گردن شما را می‌زدم».^{۲۳} امام صادق (ع) نیز نقل می‌کند که پیامبر فرمود:

لَا يُقْتَلُ الرَّسُولُ^{۲۴}

فرستاده‌های دشمن کشته نمی‌شوند.

فقیهان با استناد به این روایات، کشتن پیک و فرستاده دشمن را حرام دانسته‌اند.^{۲۵}

۴. ممنوعیت کاربرد سلاحهای گشتار جمعی

در روایتی امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل می‌کند:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ^{۲۶}

رسول خدا از افکندن سم در شهرهای مشرکان نهی فرموده است.

بسیاری از فقیهان با استناد به این روایت، کاربرد سم را در جنگ حرام دانسته‌اند.^{۲۷} برخی نیز با این استدلال که سند این روایت مخدوش و از رساندن حرمت ناتوان است، کاربرد سم را در جنگ مکروه شمرده‌اند.^{۲۸} فقیهان قائل به حرمت پاسخ داده‌اند که «سکونی»، راوی این روایت، مقبول الروایه است و حتی بر عمل به اخبار وی اجماع وجود دارد.^{۲۹}

برخی گفته‌اند: «روایت سکونی در نهی از کاربرد سم در شهرهای مشرکان ظهور دارد، زیرا غالباً به کشته شدن کودکان، زنان، کهنسالان و نیز مسلمانانی که در این شهرها زندگی می‌کنند و دیگر کسانی که کشتن آنها ممنوع است، می‌انجامد، اما از این روایت استفاده نمی‌شود که کاربرد سم برای کشتن کفاری که می‌توان با انواع قتلها آنها را کشت (نظامیان و مقاتلین) جایز نیست».^{۳۰} نویسنده جواهر الکلام پس از نقل این قول - که در صدد اثبات جواز استفاده از سم در میدان نبرد بر ضد مقاتلین و حرمت استفاده از آن در شهرهای کفار است - این نظر را تقویت می‌کند که کاربرد سم در شهرهای مشرکان (مناطق مسکونی) حتی اگر فتح متوقف بر آن باشد حرام است، زیرا خبر سکونی مطلق است.

از مجموع آنچه گفته شد، سه مطلب به دست می‌آید:

یک - کاربرد سم در شهرها و مناطق مسکونی جایز نیست، زیرا به کشته شدن غیر نظامیان منجر می‌شود و چنان که پیش از این گفته شد، کشتن غیر نظامیان حرام است. روایت سکونی در حرمت استفاده از سم در شهرهای مشرکان (بلاد المشرکین) ظهور دارد و به گفته نویسنده جواهر الکلام این حرمت مطلق است. از این رو، کاربرد سم به هیچ وجه در شهرها جایز نیست، هر چند فتح متوقف بر آن باشد.

دو - با ظهور روایت سکونی در حرمت کاربرد سم در شهرها و مناطق مسکونی، از این روایت نمی‌توان حرمت کاربرد آن را در جبهه جنگ و بر ضد نظامیان استفاده کرد، و چون کشتن مقاتلین (کافران حربی) در جنگ جایز است، اگر شک کنیم که کشتن آنها با سم جایز است یا نه، اصل بر جواز است، به ویژه اگر از این سلاح استفاده کنند. البته چنان که برخی فقیهان تصریح کرده‌اند، کاربرد سم در جبهه جنگ اگر به هر دلیلی به کشته شدن غیر نظامیان منجر شود، جایز نیست. همچنین اگر مسلمانان معاهده‌ای بین المللی مبنی بر ممنوعیت کاربرد سلاحهای کشتار جمعی را بپذیرند، از باب وجوب پایبندی به تعهدات نیز استفاده از این سلاحها مجاز نخواهد بود.

سه - از اینکه نویسنده جواهر الکلام دلیل حرمت کاربرد سم را مطلق می‌داند و استفاده از سم را حتی اگر فتح هم متوقف بر آن باشد جایز نمی‌داند، می‌توان دریافت که وی کاربرد سم را از باب مقابله به مثل هم جایز نمی‌شمارد.

در پایان این بحث باید یادآور شد که اگر بپذیریم سم - که امروزه در شکل سلاح شیمیایی ظهور یافته - مصداقی از سلاحهای کشتار جمعی است، می‌توان حکم کاربرد آن را به سایر سلاحهای کشتار جمعی - مانند سلاحهای هسته‌ای و میکروبی - تسری داد. امروزه کاربرد سلاحهای کشتار جمعی به دلیل داشتن قدرت تخریبی زیاد و به جای گذاشتن آثار بسیار خطرناک زیست محیطی - که سالها پس از به کارگیری آنها ادامه دارد - و با توجه به محدود نبودن جبهه نبرد به دژهای نظامی یا بیابانهای اطراف شهرها و سرایت آتش جنگ به شهرها و مناطق مسکونی، غالباً به کشته شدن یا آسیب دیدن غیر نظامیان می‌انجامد. از این رو، قول به حرمت کاربرد سلاحهای کشتار جمعی به طور مطلق، چه در شهرها و چه در جبهه جنگ، بعید نیست.

۵. ممنوعیت خیانت‌ورزی و پیمان‌شکنی

از جمله مواردی که پیامبر اکرم (ص) خطاب به نیروهای اعزامی برای نبرد می‌فرمود، این بود:

لَا تَغْدُرُوا^{۳۱}

خیانت‌نورزید!

غَدْر در لغت به معنای خیانت‌ورزی و پیمان‌شکنی است. به گفته برخی فقیهان، غدر آن است که به افراد دشمن امان دهند، اما غافلگیرانه آنها را از پا درآوردند.^{۳۲} گذشته از این معنا - که ظاهراً بیان یکی از مصادیق غدر است - همه فقیهان با استناد به روایت پیش‌گفته و ادله دیگر، غدر را حرام می‌دانند.^{۳۳}

شایان یادآوری است که غدر با خدعه و فریب تفاوت دارد. خدعه، خواه با گفتار و پخش اخبار نادرست باشد یا با رفتار، تاکتیکی است برای گمراه کردن و به اشتباه انداختن دشمن درباره هدف نیروی خودی. همه فقیهان با استناد به روایت مشهور نبوی «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ»، فریب را در جنگ جایز می‌دانند.^{۳۴} در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی نیز خیانت‌ورزی، ممنوع و فریب، مشروع شمرده شده است.^{۳۵}

۶. ممنوعیت قتل و شکنجه اسیران جنگی

پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و اسیر کردن هفتاد تن از مشرکان قریش، پیامبر اکرم (ص) اسیران را میان اصحابش پراکنده ساخت و فرمود:

إِسْتَوْصُوا بِالْأَسْرَى خَيْرًا^{۳۶}

با اسیران به نیکی رفتار کنید.

اصحاب این فرمان را به خوبی اطاعت کردند و حتی اسیران را در غذا بر خود مقدم داشتند. ابو عزیر بن عُمیر، برادر مُصعب بن عُمیر و یکی از اسرای جنگ بدر، می‌گوید: «من در میان طایفه‌ای از انصار بودم و چون خوراک روز یا شب را می‌آوردند، نان خود را به من می‌دادند و خود به خرما قناعت می‌کردند، حتی اگر به علت شرم نان خود را پس می‌دادم، باز به من برمی‌گرداندند و دست به آن نمی‌زدند».^{۳۷} ابو العاص بن ربیع، یکی دیگر از اسیران بدر، می‌گوید: «با گروهی از انصار بودم. خدا پاداش خیر به آنان بدهد. به هنگام غذا

خوردن در روز یا شب، خود خرما می خوردند و نان را به من می دادند، زیرا نان کم به همراه داشتند و خرما توشه آنان بود.^{۳۸} دیگری اضافه می کند: «حتی خود پیاده می رفتند و ما را سواره می بردند».^{۳۹}

پیامبر اکرم (ص) درباره کسانى این گونه سفارش فرمود که او را در مکه بسیار آزار داده و از دیار خویش بیرون کرده بودند.

در جنگ بدر، پیامبر اکرم (ص) در پاسخ به عمر که از ایشان خواست دندانهای پیشین یکی از اسرا به نام سهیل بن عمرو را بکند تا دیگر نتواند علیه آن حضرت سخن بگوید، فرمود:

لَا أُعْتَلُّ بِهٖ فَيُعْتَلُّ اللهُ بِى وَ إِن كُنْتُ نَبِيًّا^{۴۰}

او را منته نمی کنم که خدا مرا منته خواهد کرد، گرچه پیامبرم!

پس از خیانت ورزی و بیعت شکنی بنی قریظه در تحریک مشرکان قریش برای برافروختن آتش جنگ احزاب، پیامبر اکرم (ص) بیدرنگ پس از پایان این جنگ با فرمان خدای متعال عازم نبرد با آنان شد. یهودیان پس از چندین روز محاصره، سرانجام تسلیم و حاضر شدند به حکم سعد بن معاذ تن دهند. سعد بر اساس تورات حکم کرد که مردانشان - به جرم خیانت ورزی - کشته شوند. پیامبر (ص) در خلال اجرای این حکم که در روزی تابستانی به ظهر کشیده شده بود، فرمود: «با اسیران به نیکی رفتار کنید و استراحتشان دهید و آب بنوشانید... گرمای خورشید و گرمای سلاح را با هم علیه آنان جمع نکنید».^{۴۱}

پس از اسیر شدن مشرکان در جنگ حنین، پیامبر (ص) ندا داد که اسیری از هوازن کشته نشود، و چون به آن حضرت خبر رسید که یکی از اسیران به نام ابن اکوع - که قبیله هذیل او را در ایام فتح مکه برای کسب خبر از پیامبر فرستاده بود - به گفته عمر و به دست یک انصاری کشته شده، فرمود: «مگر به شما فرمان ندادم که اسیری را نکشید؟»^{۴۲} پس از ابن اکوع، اسیر دیگری به نام جمیل بن مغمر به دست انصار کشته شد. پیامبر اکرم (ص) خشمگین شد و به انصار پیغام داد: «چرا او را کشتید، در حالی که فرستاده من نزد شما پیغام آورد که اسیری را نکشید؟». گفتند: ما به قول عمر او را کشتیم. پیامبر (ص) روی گرداند تا اینکه عمیر بن وهب درباره گذشت از این ماجرا، با او سخن گفت.^{۴۳} در همین جنگ بود که پیامبر اکرم (ص) بزرگوارانه اسیران هوازن را بدون گرفتن سر بها آزاد فرمود.^{۴۴} همچنین در این جنگ فرمان داد که به همه اسیران لباس بپوشانند.^{۴۵}

بنا به قول مشهور، کشتن اسیرانی که پس از پایان جنگ به اسارت درآمده‌اند، جایز نیست.^{۴۶} به تصریح آیه ۴ سوره محمد(ص) این اسیران یا با منت آزاد می‌شوند یا با گرفتن سربها. همچنین دادن غذا و آب به اسیر واجب است، هر چند اسیری که - به دلیل خیانت و ورزی - باید کشته شود.^{۴۷}

نتیجه گیری

آنچه پیامبر اکرم(ص) در ۱۴ قرن پیش درباره حقوق انسانی در جنگ بیان فرموده، اساس و شالوده قوانین و مقرراتی است که امروزه به حقوق بشر دوستانه بین المللی موسوم است. لزوم تمایز میان نظامیان و غیر نظامیان و خودداری از حمله نظامی به غیر نظامیان و کشتار آنان، پرهیز از شکنجه و تحقیر دشمن - که مثله کردن نماد بارز آن است -، مصونیت جانی نماینده و فرستاده دشمن، نامحدود نبودن استفاده از سلاح، و ممنوعیت کاربرد سلاحهای کشتار جمعی، پرهیز از خیانت و ورزی و پیمان شکنی و ممنوعیت قتل و شکنجه اسیران جنگی که اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی امروزی است، ترجمان سخنان نورانی و رفتار انسانی رسول خدا(ص) است. احکام اسلامی در زمینه حقوق انسانی در جنگ - که بخش زیادی از آن مستند به سیره رسول خدا(ص) است - امروز هم زنده و پویاست و با اجتهاد فقیهان چیره دست می‌تواند کاستی‌های حقوق بشر دوستانه را برطرف کند.

پی‌نوشتها:

۱. فرهنگ حقوق بین الملل، رابرت بلد سو - بوسلاو بوسچک، ترجمه و تحقیق علیرضا پارسا، ص ۴۵۵ - ۴۵۸، نشر قومس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲. همان، ص ۴۷۹ - ۴۸۱.
۳. مانده (۵)، آیه ۸.
۴. قلم (۶۸)، آیه ۴.
۵. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.
۶. توبه (۹)، آیه ۱۲۸.
۷. شعراء (۲۶)، آیه ۳.
۸. آل عمران (۳)، آیه ۱۵۹.
۹. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، ج ۱۱، ص ۴۳ - ۴۴، مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، بی‌تا.
۱۰. همان، ص ۴۳.

۱۱. همان.
۱۲. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۲۱، ص ۶۰، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸.
۱۴. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هيثمی، ج ۵، ص ۳۱۶، دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۲ ق.
۱۵. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۲۱، ص ۷۵ (به نقل از سنن بیهقی، ج ۹، ص ۹۱)، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م.
۱۶. همان، ص ۷۳.
۱۷. همان، ص ۷۶.
۱۸. همان، ص ۷۵.
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳.
۲۰. نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، نامه ۴۷.
۲۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۷.
۲۲. همان، ص ۷۸.
۲۳. مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۳۱۴.
۲۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۱.
۲۵. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۷.
۲۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶.
۲۷. ر.ک: سلسله التبايع الفقهي، علی اصغر مروارید، ج ۹، ص ۵۱ (النهايه، شيخ طوسي)؛ ص ۱۵۲ (الغنيه، حمزة بن علی بن زهره)؛ ص ۱۶۰ (الوسيله، ابن حمزه طوسي)؛ ص ۱۷۸ (السرائر، ابن ادریس حلی)؛ ص ۲۲۷ (المختصر النافع، محقق حلی) و ج ۳۱، ص ۲۲۳ (الدروس الشرعيه، شهيد اول)، مؤسسه فقه الشیعه، الدار الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. ر.ک: رياض المسائل، سيد علی طباطبائی، ج ۷، ص ۵۰۴، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق؛ مسالك الافهام، شهيد ثاني، ج ۳، ص ۲۵، مؤسسه المعارف الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق؛ تذکره الفقهاء. علامه حلی، ج ۹، ص ۷۰، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۶۸.
۳۰. همان.
۳۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۳.
۳۲. ر.ک: مسالك الافهام، ج ۳، ص ۲۷؛ جامع المقاصد، محقق کزکی، ج ۳، ص ۵۰۸، مؤسسه آل البيت (ع) چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۳. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷۸.
۳۴. همان، ص ۷۹.
۳۵. ر.ک: فرهنگ حقوق بين الملل، ص ۴۷۷.
۳۶. تاريخ طبري، محمد بن جرير طبري، ج ۲، ص ۱۵۹، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بی تا.
۳۷. تاريخ پیامبر اسلام، محمد ابراهيم آيتي، ص ۲۵۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

٣٨. تاريخ مدينة دمشق، على بن الحسن ابن هبة الله شافعي، ج ٦٧، ص ٩، دار الفكر، چاپ اول، ١٤١٩ ق.
٣٩. همان.
٤٠. تاريخ طبري، ج ٢، ص ١٦٢.
٤١. كتاب المغازي، محمد بن عمر بن واقدی، ج ٢، ص ٥١٤، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، چاپ سوم، ١٤٠٩ ق.
٤٢. مصنفات شيخ مفيد، ج ١١، ص ١٤٤ (الارشاد)، المؤتمر العالمي لآلفية الشيخ المفيد، چاپ اول، ١٤١٣ ق.
٤٣. همان، ص ١٤٥.
٤٤. كتاب المغازي، ج ٣، ص ٩٤٩-٩٥٣.
٤٥. همان، ص ٩٥٤.
٤٦. جواهر الكلام، ج ٢١، ص ١٢٦-١٢٧ و ١٢٩.
٤٧. همان، ص ١٣٠.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی